

صاحب امتیاز
دکتور عبدالرحمن محمودی
مدیر مسئول
انجمنیر ولی احمد عطاشی
هر دو شنبه و پنجشنبه به پشتو
و فارسی نشر میشود

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

نداء خلق

آدرس دفتر نشر
جاده * مهرداد - کابل
نمبر تلهفون
آدرس تلگرافی: "خلق"
تاسیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

شماره * ششم

سال اول

پنجشنبه ۲۹ حمل ۱۳۳۰

شاغلی عبدالشکور خان الم	ایثار و فداکاری ضامن سعادت است
حقوق ما ۱۰۰!	جنگ عمومی دوم با آنکه ملیونها بشر را سیاه روز و بدبخت ساخت
فضل و امتیاز انسان از سایر مخلوقات پرمایه کلمه مبارک حق	امادر ساحه سیاست بین المللی و حقوق بشردنسیارارونق
بوده و با طاعت و احترام حق شرایع سماویه امر اکید فرموده	دیگری بخشیده و افراد گیتی را زنده تر ساخت - درانزمان
حق در معنی لغوی خود ملک را نامندد دیگران جوست	پروفسری که عمرش بهفتاد سال مهر سیددیریکی از دوالفتون
تجاوز را بدون اجازه مالکش مان نداشته و ندارد - علماء	همای المان هنوز مشغول خدمت بوده و جوانان درس و
حقوق مجموع حق را بدو حصه تقسیم کرده اند: اول حقوق	تعلیم می اموخت - در اثباتی که خطابه میداد و جوانان به
طبیعیه دوم حقوق و ضعیفه *	دقت کامل خطابه او را تعقیب میکردند به سته رسان داخل
اول (حقوق طبیعی: حق آزادی - حق حیات و تامین	اطاق خطابه گردیده و بسیاری را که حواشی آن با خط
راحت و خور سندی را میتامند که ایزد متعال بهر فرد	سیاه محدود و در گوشه آن خوشه گندم سیاه نقش سیاه
اعطا فرموده * دوم) حقوق و ضعیفه که بر دو حصه سیاسیه	روزی را در بر داشت و حاکی از مرگ جوانی بود که در میدان
و شخصیه تقسیم شده - حقوق سیاسیه امروز در ممالك عالم	جنگ برای حفظ ناموس و وطن جان داده بود به پروفسر
حق مشروع هر فرد است مثلاً حق انتخاب - حق مراقبت	داد و برگشت - پروفسر با آنکه از ظواهری ملک حقیقه
حکومت - حق عضویت در مجلس تقنین - حق وضع قانون	را درک کرد ولی بی آنکه بسا که را باز کند در جیب خود نموده
حق تمین مالیات که بعضی از آنها لزوماً بر کول مشتخیه -	و بصورت عادی بخطابه خود دوام داد - بعد از آنکه خطابه
شان گذارده میشود - حقوق شخصیه عبارت از حق آزادی	اشختم شد و میخواست از اطاق خارج شود یکی از متعلمین
افکار - حق آزادی شخص - آزادی عمل و کار و کسب آزادی	باو نزد یک شده و اظهار نمود که ایها خیریت است؟ پروفسر
تحریر - آزادی بیان - آزادی اجتماع با بن نوع خورد و حق	بسا که را از جیب خود خارج نموده اترامازو کلرت را از پوسن
مساوات بمقابل محاکم میباشد - حقوق شخصیه را باز هم	ان خارج کرد که در آن بخت جلی نوشته شده بود: "اقلای
مهدا میداد متقسم کرده اند: الف) مهدا حریت - ب)	 حمایت خود را برای حفظ ناموس و شرف ملت و مملکت
مهدا مساوات - مهدا حریت در مواد چهارگانه آتی حل	ایثار نمود و ما برای شما حوصله و صبر خواهانیم *
میشود اول حریت شخصی دوم حریت تملك - سوم حریت عمل	پروفسر با خواندن مکتوب اشك ریخت و گفت - این پنجمین
حریت شخصی که باعث امتیاز	پسر من است که در راه دفاع از شرافت و ناموس قوم فدا میشود
انسان نسبت میباشد غیر از قبول داء قوانین عمومی است که در	اما اکنون باید اشك بهریم زیرا دیگر فرزندی ندارم که برای
قبول آن رضای ملت باشد در سایر تکالیف موجوده معنی	دفاع از مبین قریبان سازم - خودم هم پسر و نا توانم و
آزادی را افاده میکند - حریت تملك این است که هیچ فردی	توان برداشتن سلاح را ندارم ای هموطنان گرامی!
حق ندارد که در ملک مریوطه و اصحاب شخصیه کسی که	این جملات یکجهان روح مردی و مردی وادرخود پستیها
عنان مقدراتش بدست صاحب آن باشد تجاوز کند - تملك	دارد ماهم در تاریخ - نهوشا تملك بسیار زنده ازین گونه فدا
حق حریت تملك در يك محیط نمایندده ترقی آن است حریت	کارها داریم - مللی که امروز سعادت شان تامین شده و هر
بقیه در صفحه ۳	بقیه در صفحه ۴

مکاتیب وارده :

مدیریت نشریات رادیو کامل به اساس خبر ازاد سر دلخک رسماً اطلاع میدهند که به پاس قدرشتمای یک مشت پول برای تکفین و تدفین محمود خان طبله چی داده اند . (ما از لطف شان تشکر نموده و از صحت خبر ازاد سر دلخک معذوریم) .

شاغلی غلام حضرت خان وکیل کامیابستفید ما را بر قانون مطبوعات تو همین بمقانون و ملت خوانده و از قانون مذکوره استعاضه کرده اندای کاش شاغلی وکیل از نظریات متخصصین قانون و حقوق - مخصوصاً سرمقاله مجله اقتصاد به قلم آقای محترم معصومی در مورد قانون مطبوعات آگاه می بودند تا هر ما خورده گیری نمیکردند - اساساً تنقید برای اصلاح و ارتقاء جامعه بوده و اگر تنقید را تو همین ملت و قانون و مانند شاغلی وکیل حکم تکفیر صادر میکردند - امروز در همه گیتی یک قانون صالح موجود می آمد (تا جایکه اداره اطلاع دارد محمودی در روز تصویب قانون مذکور هم تنقید خود را اظهاری کرده) .

شاغلی ماصفر خان غریب با اشاره به مضمون آقای آینه در شماره دوم دعای خلاق - از مردم رجا میکنند که اگر کار دستان حکومت غم نان و آب و برق و خانه مردم را ندارند و بجز در مرکز در هیچ جای صحت وجود ندارد باید اشخاص ملی سرمایه های شخصی خود را با همین امور خیریه وقف نمایند (فکر مادرین امور مفاد بزرگی است کاش پو لداران ملتفت شوند) .

تاریک ترین خبر های شب

ازاد سر دلخک اطلاع میدهد که در اثر وجود آمدن سه جریده ازاد ملی با اجازه وسی دولت و نشرات آنها مطابق با اساسات حق و دیمو کراسی و عدم حمله بر افراد باز هم عده که سیر دیمو کراسی در مملکت مفاد شخصی آنها را تهدید میکند در صدور اند افراد قهامل و یا بعضی از حضرات ملا صاحبان را بهر نامی که باشد به گردن کارکنان روزنامه ها انداخته و باین صورت هرج و مرج

شاغلی دهل استر میشد

یک نفر موتر را ن داد میخواست ؟؟؟

بعد القاب - بنده یک فرد از طمقات خیلی غریب این مملکت میباشد - چون نامه ملی ندا خلق آینه آرزو ها و تمایلات سایر افراد وطن و با لخاصه اشخاص همچو من است میخواهم باین وسیله درد دل خود را به شما بنگارم تا اگر لازم دانستید به نشر آن اقدام خواهید فرمود - مشغولیت بنده در ابوری و با معیارت ساده تر موتر رانی است - دل برای هیچ نفعی و عایدی میباشد - تنها وسیله معیشت همین معاش موتر رانی میباشد و پس - تصور نمیکند که موتر ران عایدات خیلی زیاد دارد و از هر خصوص گدازه اثر پذیر متن خواهد شد (و شاید هم درست باشد) اما آن اشخاصی میتوانند با هائی مانند ثقیلات دولتی - شرکت سرویس و غیره توکر شوند که دل برای واسطه با رسوخ بوده و با مبلخی بطور شوت دهند و خود را چهره کنند اما بنده سه واسطه با رسوخ دارم و نه حبه و دیناری بمساء مدتی عقب تر کوی سرگردان شدم - شبهارا فاقه با عایله خود بسر بردم - بهر دری سر زدم و یک بختانه جواب منفی شنیدم - بالاخره بعد از تجسس فراوان بشرکت ایک با صد عجز و نیاز و آه و زاری داخل دو کوی گردیده و کارم رسانیدن سنگ و چوب و غیره مصالح تعمیراتی بود - دانستند من چند نفر دیگر نیز در اینجا سوکر بودند از بخت بد بنده شرکت مذکور چار ماهه معاش در ابوران را معطل نموده - بداد و فرهاد ما گو شت داده و در نتیجه اسقدر بهریشان گردیده ایم که نمیتوان انرا شرح داد - بعد از عرض و داد زیاد رئیس صاحب شرکت تنزل نمود و بسلام ماسری جنسهای و با یک عالم قهر و غضب ما فرمود که چون موتر ها را بنما به خرابی بریزه ها مدتی بهکار مانده لهذا نمیتوانیم که معاش شمارا بپروژه دهم سه ماهه معاش را بدست ما داده و یک ماهه معاش در قیمت پروژه ها داده نمیشود - معلوم است که پروژه هر ماشین بعد از استعمال زیاد خراب میشود و موتران را من خراب شدن موتر نیست - داد و فرهاد زدیم - عذر کردیم - جودی نکرد و آخراً فرمودند بروید دستتان ازاد من پول مفت بکسی داده نمیتوانم و با استعمال چند کلمه بقیه در صفحه ۳

* مرج تولید و دولت نامه را بافت این مجوز نشان دهند اما باید (الراضی بامر اله)

شاغلی سید احمد شاه هاشمی

مجادله ارتجاع و تجدید

تغییر و تحول ناموس جهان افریند شراست — هیچ چیزی در گیتی وجود ندارد که ازین سنست سر بتابد — گمان نگیرد که اسمائی از آغاز پیدایش خود بهمین صورت بوده و یا همینطور خواهد ماند — گمان نکند قطعه اریح از روز نخست همین طور ایام و معمور — با شان و شکوه — سبز و خرم بوده — بل وقتی را طی کرده که صفحه انرا آب و یخ پوشانده و جز بخیال چیزی نبود — ازین تحولات محسوس و محضی نامرئی میباشد آنچه مشهود است طبعاً در طول زندگی ما حوادث گردیده و قابل رویت است — اما آنچه غیر محسوس است یا از حوزه زندگی ما خارج بوده و یا طوری میگذرد و در تنگ حادث میگذرد که طول زندگی ما برای درک یک اثر هزاران کفایت نمیکند — و باچنان دقیق است که ما ان را ندیده — نمیتوانیم — انسان که جزو جهان افرین — شراست هم باین قانون محکوم بوده و مراحل مختلفی را طی میکند مثل تحول در جسم — قوه — عقل —

جسارت — اخلاق — سبزه و بالاخر تحول در کلیه مظاهر باطنی و ظاهری — مادی و معنوی — چون اجتماع از افراد متشکل است فلذا جامعه نیز باین تحولات معروض بوده و بحکم ناموس طبیعت مانند افراد جوامع نیز تولید شده نمو کرده — جوان شده — پخته گشته — پیر شده و اخیراً مهمیور — پس این تحول رنگ و ماهیت و شکل را تجدید مینماید جوامع بشری دایماً بعد از یک توقف مقدور محتاج به تجدیدند زیرا در قانون افرینش و طبیعت سکون مطلق و جمود قطعی وجود ندارد — این سیر تکامل و مجادله بشری با قوای

طبیعت و محیطیک امر فطری است اما در سرشت انسان نقیض خاصه تجدید موجود است که ما انرا ارتجاع و یا کهنه پرستی مینامیم — این دو قوه در تمام مظاهر اجتماعی با هم در تصادم و مجادله بوده و خواهد بود — هر وقتیکه دین — مذهب یا عقیده سیاسی و مفکوره علمی جدیدی بظهور رسد یا قوه ارتجاع پسندی و کهنه پرستی و اطاعت کور کورانه اساطیر آسمانی مواجه و مجبور بمبارزه — خونینی میگردد — همه ادیان سماوی مخصوصاً قرآن حمید اینگونه مردمان لا عقل و کهنه پرست را شکوهرش نموده و مخالفت رای و عمل شائرا مکرراً اعلان میکند •

شاغلی عبد الحمید خان یوسف زی

وحدت ملی

یگانگی عامل نجات و کلید سعادت قوم بوده و مرام و ارزوی حقیقی هر فرد ملت است — از روزی که ملل غرب بفکر جهان کشائی و استعمار افتاده اند — بزرگترین سلاح شان تولید نفاق و پارچه پارچه ساختن قطعات زمین مثل آفریقا و امریکا و — مخصوصاً آسیا بوده و ما هم این زهر جانتکاه را از یک قرن پیش در مملکت کوهستانی چون افغانستان با مردمان سلحشور — وطنخواه و فداکاران کاری از پیش برده — ولی سیاست شوم و فرتوت و سیاست خوب کارگر افتاد — هرگاه خواستند ما را در سر و روی هم افتادیم و داد فسوق و جدال بدادیم — پس ملی هموطنان گرامی! بخود آید — نفاق شما و تجزیه شما بدامهای پشتون — تاجک — ازبک — هزاره شاید دشمنان شما است — اگر سعادت خود و وطن خود را طالبید متعهد شوید و در مقابل هر تجاوز همچو مشت آهنینی باشید •

بقیه حترق ما

عمل تصمین کسب ازاد بوده و حریت نشر خیالات عبارت از آزادی در تحریر و اجتماع است — یعنی هر فرد حق دارد آرزو و مفکوره خود را ازادانه نشرو در زیر هر مفکوره سیاسی بخواهد ازادانه جمع شود و ازادانه از حقوق خود دفاع بکند — مظلوم تنقید ننماید — مبداء مساوات که تفریق بین فقیر و غنی و غیره امتیازات بین متطابق را باستثنای خدمات امتیازات و فداکاری را محو سازد — در خاتمه ازاداره مستقل مطبوعات مجالس حقوقی بین المللی با تفصیل نشر فرماید •

بقیه بکفر موثران • • •

در شش و رکبک مارا از دروازه دفتر خوشه میرون راند — اکنون برای خدمت استخدام میکنند اگر شما بواسطه نداشتن کار جندی ازو کار نگیرید اما مستحق مصاحبه است •

کشف ویتامین (لست) :

قرار خمر آژانس دلخک وزارت معارف بکشف ویتامین ل — برای تربیه موفق شده و جدا امر کرده است که در تمام مکاتب متوسطه و ابتدائیه به بهمانه وسیعی استعمال شود — (ما از نیکوالتجارب میگویم که بهاس انسانیت این کشف بزرگ را خریداری و در همه دنیا استعمال نماید •

مقیم سر مقاله

راحت و آسایش دارند در سایه همین خداکاری هاست و
 پس ای قوم عزیز شما مرکز و منبع همه قوت ها و قدرت های
 مادی و معنوی بوده و همه چیز از شما ساخته شده می
 تواند - ایما نمیتوانید که با همه یک پدر مرد همسری
 کرده - مقام و مقام شخص خود را پس پا زده و تمام هستی
 مادی و معنوی خود را برای خدمت ملت و مملکت ایثار نمائید؟ رفته اند *

به مقیم بدانید ما و شما چند روزی بوده ولی ملت
 مملکت و نسل و نژاد ما هر طو لانی دارند - ما و شما -
 امروز و فردا مسئول همه بد بختی های خاک بوده و -
 مبارزه برای حقوق و حفظ ثوابت های آن فرخی همه ما و شما
 است - امروز چشم یک ملت فقیر و پر همت - چشم پیوسته
 زن و بچم - چشم آنها تکیه سو به * شان از حیوانات هست
 تر است بسوی ما و شما بوده و پدران فقیر و محتاج ما که چه باید کرد؟

تمام جان کنهها و عرق ریزهها را خیر عمر با فقر و فاقه
 و گریه مان بوده و بمشکل کفن می نمایند از قهر بسوی ما نگران موافق بوده - جا نب دار جوانهها در تسهیلات از دوا جود
 بوده و هر دقیقه مارا تهدید و تشویق مینمایند که برای
 دفاع از حقوق مشروع قوم و حفظ ثوابت مملکت و ارتقاء و
 عمران خاک خویش ایثار و فدا کاری نمائیم - سعادت
 و شرف - راحت و عزت خورد و بزرگ ما بهمین خاک مربوط
 بوده و لذا از غن ما ست که برای منافع خاک و منافع جا مه
 خود مبارزه و جان نثاری نمائیم * (عطائی)

همان که راحت کنیم :
 وقت صداقت رسد توبه شویم کنیم
 راستی از مردمان دیده قناعت کنیم
 جنبه ما غالب است حاجی مهر گوشه *
 یکی دو سال دیگر بحیله راحت کنیم
 مهر رفیقان اگر عرض کنم از صفا
 ترك ستمها و ارض خیانت کنیم
 تلخ و ترش میشود رفیق از راستی
 میگه که دیوانه همان که راحت کنیم
 صدق و صفا یعنی چه راستی اندر کجا؟
 از سخن این وان ترك سعادت کنیم
 قول یکی بعمل کجا توفیق کنند
 پیرو هر کس شدن چرا حماقت کنیم
 طالع مدد گرش در تبه و چو کی رسد
 ما بگریم پول چرا شکایت کنیم
 بقوت زور و پول پارتی خویش را
 بطرز معقول و خوشحالی حمایت کنیم

شاغلی مختار زاد

پیشنهاد خلق

ای بسا جوانه های آراسته که از عدم استطاعت با تکیه *
 قصر - باغ - بوتر و غیره با لا خرم محبوبه خود را با چشمهای
 گرمان در حجله * افکار یافته اند و دخترانی هم در اثر
 جفای پدر طماع از پاران گریه - جدا و زنده در گور
 مادی و معنوی خود را برای خدمت ملت و مملکت ایثار نمائید؟ رفته اند *

پدر و مادر دختر های جوان بر رواج یکدیگر - جو محتکر -
 بازار گران می فرو شد * * * مقررات شرع انور - توبه *
 مقامات و گفتار مردان خیر خواه اهدا نفوذی در آنها ندارد
 عده جوانه های مجود و دو شیگان می شوهر و اقزایش است
 نظریات و در خواست دختر داران همانا چیز هائی است
 که انسان را از داماد شدن توبه میدهد *

ملما و روحانیون گرام البته با چنین اوضاع پدر ها
 - جا نب دار جوانهها در تسهیلات از دوا جود
 بر ضد این خرافات و احجاف هرگاه جوانهها اتحادیه تشکیل
 دهند - در مقابل موانع خلاف تهذیب و دین که در راه
 زنا شویی استوار شده - مبارزه نمایند و در مورد ازدواج
 ها * * * دستگاه و لریس و تحقیقات بصورت آبرو مندانه
 از طرف ملما اعلام بر پا باشد - ایما برین فساد بیشتر
 جامه موثر است و با خیر * * * آتیا عدالت اجتماعی و -

نویسنده سید ظهیر الدین تلمیذ خدا و پیغمبر مستلزم آن نیست * * *
 خوب است پدر و مادر دختران نامزدی برای دختر شان
 پترا شدند * * * یکی اگر ترسید دیگری رسد *

شرح اشتراك

کابل -	۴۰	افغانی سالانه
ولايات -	۴۵	در
خارج -	۵۰	دالر در
قیمت يك شماره ۵۰ پول		

مطبعه - كمپنر شخص داء خلق - كابل